**1)درباره چگونگی جذب،آموزش و اعزام نیروهای بسیجی در دوران دفاع مقدس تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.**

پس از صدور فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در پنجم آذر ماه سال ۱۳۵۸ مبنی بر تشکیل بسیج مستضعفین، پایگاه های مقاومت در مساجد، حسینیه ‌ها، ادارات، کارخانجات و مدارس به صورت خودجوش و مردمی شکل گرفت. شروع آموزش نظامی بسیج ابتدا از مساجد آغاز شد و خانم ها و آقایان در مساجد ها درحال تمرین نظامی و کار با اسلحه بودند و مساجد ، محل تمرین نظامی مردان و زنان بود.

 با واگذاری مسئولیت بسیج به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، پایگاه های مقاومت بسیج در مدارس نیز همچون دیگر اقشار بسیج برای جذب، آموزش و اعزام دانش ‌آموزان واجد شرایط به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل فعال شدند . در دوران هشت سال دفاع مقدس بیش از ۵۵۰ هزار نفر از دانش‌آموزان به دفعات مکرر به جبهه‌ها اعزام شدند که بیش از ۳۶هزار نفر شهید و مفقود الاثر، دو هزارو ۸۵۳نفر جانباز نفر جانباز و دو هزارو  ۴۳۳ نفر آزاده تقدیم دفاع از انقلاب اسلامی و کشور عزیزمان ایران کردند . حضور حماسی دانش‌آموزان در سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نه تنها موجب گرمی و موفقیت جبهه‌ ها شد ؛ بلکه شور و نشاط ویژه‌ای در داخل مدارس بوجود آمد و در مدت کوتاهی تبدیل به گسترده‌ترین تشکل دانش‌آموزی کشور شد .

نقش تاثیرگذار بسیج دانش‌آموزان در حماسه ۸ سال دفاع مقدس را در چهار محور کلی ذیل دانست :

الف )حضور پرشور در جبهه‌هاى جنگ :

برابر آمار، پرشورترین حضور در جبهه‌هاى جنگ از آن دانش‌آموزان بوده است . طى سال‌هاى ۵۹ تا ۶۶، تعداد ۳۶۶۶۹۷ نفر از این عزیزان در جبهه‌هاى جنگ حضور یافته از این میان ۱۷۲۹۶ تن به شهادت رسیدند . تقدیم ۲۳۲۸ نفر جانباز، ۱۱۱۰ نفر آزاده و ۲۰۶۳ نفر مفقودالاثر به آستان انقلاب اسلامى بخش دیگرى از این حضور حماسى دانش ‌آموزان در حماسه ۸ سال دفاع مقدس بود . خاطرات حضور نوجوانان ۱۳ ساله در جبهه‌هاى جنگ ، هنوز از ذهن‌ها زدوده نشده است .صحنه‌هایى که دیدنش موجى از نشاط و شوق حضور در جبهه‌هاى جنگ را در سایرین به وجود مى‌آورد و افتخار و تجلیل عمومى را نثار ایشان مى‌کرد . خاطرات مربوط به کسانى که با دستکارى در شناسنامه‌هاى خود و جعل امضاى والدین، خود را به خطوط مقدم نیرو مى‌رساندند  ، هنوز شهره در جهان است و جهان به این روحیه عظیم جوانان و نوجوانان ایران باید غبطه ابدى بخورد .

ب ) حضور فعال در پایگاه‌هاى مقاومت :

حضور در جبهه‌ تنها وظیفه دانش‌آموزان نبود ؛ بلکه آنان این مسئولیت سنگین را نیز به دوش خود احساس‌مى‌کردند که عقبه نیروهاى خودى را که عبارت از پایگاه‌هاى مقاومت بود ، نیز تقویت نمایند . از این رو تقویت این پایگاه‌ها در دستور کار شرعى - ملى آنان قرار داشت و گشت‌هاى شبانه و برقرارى ایستگاه‌هاى بازرسى با هدف تعمیق امنیت شهروندان صورت مى‌گرفت . گشت‌هایى که در آن حضور نوجوانان در کنار پدران میانسال افتخارآمیز بود و دیدن آن صحنه‌ها ،  موجى از شعف و شور‌ را بر دل‌ها جارى مى‌ساخت  .

ج ) حضور جدى و موفق در سنگر تحصیل :

دانش‌آموزان شریف ایران در کنار آن که جنگ را به فرموده امام عزیزشان در راس همه امور مى‌دانستند اما از رسالت و تکلیف آموزش و علم اندوزى نیز غفلت نکردند . آنان به تحصیل و حضور در جبهه‌ به عنوان دو تکلیف مقدس مى‌نگریستند که باید در کنار هم بدان عمل مى‌شد . در شرایط انتخاب ، سنگر جبهه‌ را به سنگر مدرسه ترجیح مى‌دادند ، اما هیچ‌گاه از وظیفه اول و اصلى خود که آموزش و تحصیل بود غفلت نمى‌کردند و چه بسیار دانش‌آموزانى که در خطوط جبهه نیز به ادامه تحصیل مى‌پرداختند . این تلاش‌ و حضور جامع ، از دانش‌آموزان قدرتى مرجع و مدبر ساخت تا همگان به دوراندیشى و جامع‌نگرى ایشان ایمان آورده و بر خویش ببالند که فرزندانى دارند که به همه امور، با نگاه عمیق مى‌نگرند .

د ) حضور فعال در عرصه تدارکات‌ جمع‌آورى کمک‌هاى مردمی :

حضور فعال در عرصه تدارکات‌ جمع ‌آورى کمک‌هاى مردمی، اختصاص کمک مالى و مادى به رزمندگان اسلام و حتى ایجاد ارتباط روحى و مکتوب با رزمندگان ، بخش دیگرى از اقداماتى بود که دانش‌آموزان شریف در طول ۸ سال دفاع مقدس به آن دست مى‌زدند.

**2)سبک زندگی،تحمل خطرات و سختی های زمان جنگ را توصیف کنید وبه بحث بگذارید.**

ابعاد سبک زندگی متناسب با دفاع مقدس

سبک زندگی در جنگ از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. اما بطور کلی می‌توان برای آن سه بعد قائل شد: بعد فکری، که در آن اندیشه‌ها، بعد روحی، که در آن انگیزه‌ها و بعد جسمی و رفتاری، که در آن رفتارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اول: بعد فکری

الف) اصول اندیشه‌ای:رزمندگان در دوران دفاع مقدس، از یک اصول اندیشه‌ای بهره‌می‌بردند هر چند شدت آن در افراد مختلف، بنا به ظرفیت هر فردی متفاوت بود. اما بهره‌مندی از آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی، پایبندی به آن و حرکت در مسیر این اندیشه‌ها و در یک کلام الگوگیری از حضرت امام در آنان وحدت اندیشه‌ای ایجاد کرده بود. اصول اساسی و خدشه‌ناپذیر این اندیشه در قالب این سه محور خلاصه می‌شود:

1-خداباوری«همه بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداست.»

2-معادباوری شهادت‌طلبی و استقبال از خطرات یا همان مرگ‌آگاهی، ریشه در باور عمیق رزمندگان

3-ولایت‌مداری

مروری کوتاه بر خاطرات و وصیت‌نامه‌های شهداء، یک نکته برجسته را نمایان می‌سازد و آن توجه به مقام ولایت، فرمان‌پذیری از ولایت، دعا برای ایشان و تلاش در راه سربازی در مسیر ولایت است.

معادباوری و ولایت‌محوری حول تفکر خداجویی و دستیابی به مقام رضای حق، از ارکان اساسی باورها و اعتقادات ایشان بوده است.

بصیرت و روشن‌بینی ایمان‌مداراز جمله ویژگی‌های رزمندگان، تلاش در جهت کسب بصیرت و شناخت هر چه بیشتر شأن و جایگاه خود و انقلابی بود که برای حفظ و تداوم آن در صحنه ایستاده و آماده فداکاری همه جانبه برای آن بوده‌اند و همچنین تهدیدهایی که از ناحیه دشمنان، ایشان و آرمان‌هایشان را هدف گرفته بودند.

دوم:  بعد روحی

توجه به مباحث معرفتی و خودسازی، اثر جدی بر زندگی روزمره بچه‌های جنگ داشت. اخلاص، فداکاری و ایثارگری، دوری از نفاق و ریا، اهلیت در عمل به فرائض دینی و... بخشی از صفات بارز ایشان بود. با توجه به روحیه و نشاط جوانانه رزمند‌گان، پویایی و امید به آینده در نگاه آرمان‌گرایانه آنان موج می‌زد و برای حاکمیت اسلام و عدالت، همت بلند خویش را مصروف می‌داشتند.

یکی از درس‌های مهم جنگ به رزمندگان، ملاک و معیار داشتن در انتخاب‌ها بود که اساس آن را تولی به دوستان اهل بیت و تبری از دشمنان اهل بیت تشکیل می‌داد. تکلیف‌مداری، ذره‌بین، معیار و ملاک انتخابشان بود. میزان درآمد، سطح و پرستیژ کار و... برایشان مهم نبود. اصل کار مهم بود. می‌خواستند کاری کنند که باری از دوش امام و انقلاب بردارند.

روضه و هیأت یکی از برنامه‌های ثابت خودسازی رزمنده‌ها بود. زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای کمیل و... . برای برنامه دعا و روضه هم، نیاز به هیچ چیزی نداشتند جز دل شکسته و حس و حال معنوی.

در کنار توسل، توکل‌شان هم بالا بود و ایمان به امداد الهی، آنان را به حرکت در مسیرهای سخت زندگی تشویق می‌کرد.

شعار بچه‌های جبهه، «هیهات منا الذله» بود. عملشان نیز همین‌طور. برای هیچ‌چیز و هیچکس سر خم نمی‌کردند جز فرمان الهی و فرماندهان جبهه حق. صداقت شرط اول رفاقت‌ها و کارهایشان بود.

سوم: بعد رفتاری و جسمی

تواضع، وجه غالب فرهنگ رفتاری ساکنان جبهه‌های جنوب بود، به‌طوری که در کلام و رفتارشان هم مشهود بود.

غالباً زیاد زحمت می‌کشیدند، کمتر می‌خوردند و کمتر می‌خوابیدند. فرهنگ حاکم بر جبهه فرهنگ کار و تلاش بود. هر کس نه فقط کاری را که به او سپرده بودند؛ بلکه هر کار مفیدی را که انجام آن به سود مجموعه بود, در حد توان و اجازه خود، انجام می‌داد.

غالب بچه‌ها لباس خاکی به تن داشتند. بعضی‌ها هم لباس سبز پاسداری. لباس پلنگی‌هم گاهی اوقات تن بعضی‌ها دیده می‌شد. ولی مدل همه‌اش خاکی بود. لباس خاکی عملاً سه فایده جدی داشت. یک؛ تفاوت‌های اجتماعی و طبقات مصرفی جامعه نمود خود را از دست می‌داد و همه در یک سطح از پوشش قرار می‌گرفتند. دو؛ استتار بود و سه؛ روشی برای دوری از تعلقات مادی بود. چفیه و پلاک هم جزو متعلقات هر فرد بود. چفیه به عنوان وسیله‌ای چندکاره اعم از حوله، سفره، زیرانداز، بادبزن، عرق‌گیر و... و پلاک هم به عنوان نشانی. مرور برنامه یک روز معمولی در جبهه می‌تواند بخشی از سبک زندگی روزانه در دفاع مقدس را نشان دهد:

چابکی و سرعت عمل در جبهه خیلی مهم بود. بعضی اوقات شب‌ها مهمان برنامه «خشم شب» بودند و‌باید بشمار3 آماده می‌شدند. چراکه قرار بود همیشه «منتظر» باشند. منتظر همیشه آماده ا‌ست.

یک ساعت به اذان صبح مانده، یک عده بیدار می‌شدند می‌رفتند توی محوطه یا حسینیه و تا اذان صبح مشغول نماز و دعا و قرآن می‌شدند. معمولاً همیشه نماز جماعت برپا بود. حتی اگر امام جماعت هم نبود، یکی از بچه‌ها جلوتر می‌ایستاد و بقیه پشت‌سرش. بعد از نماز جماعت صبح، معمولاً صبحگاه برگزار می‌شد. برنامه‌های صبح‌گاه، هم غالباً قرآن بود و دعا. بعضی جاها هم دعای «اللهم اجعل صباحنا صباح الابرار...» رسم بود.

روزهای معمولی، بعد از صبحگاه هرکس مشغول کار خودش می‌شد. یک عده در لشکر مسئولیت داشتند، یک عده نیروی آماده به کار بودند که اگر کاری باشد انجام دهند. اگر کاری نبود، معمولاً مطالعه می‌کردند. ‌مطالعه در فضای جبهه، اجباری نبود. هر کس با توجه به سواد و سلائق خودش و نیازش مطالعه می‌کرد، ولی می‌گفتند حسن باقری فرمانده عملیات جنوب، فرمانده لشکرها را مجبور کرده بود تا برنامه منظم برای مطالعه بچه‌ها داشته باشند. مطالعات بچه‌ها در سه حوزه قابل دسته‌بندی بود:

1. درسی 2. قرآن و دعا 3. کتب اعتقادی و اخلاقی

بچه‌های جنگ به دو چیز حساسیت جدی داشتند: امام، بیت‌المال.

منش مدیریتی فرماندهان جنگ نیز بخشی از سبک زندگی در دفاع مقدس است. مدیریت میدانی، مدیریت اقناعی و دانایی محور، مدیریت بر قلوب نیروها و ظرفیت‌سازی در جهت پرورش فرهنگ بسیجی از مهم‌ترین شاخصه‌های مدیریت جنگ بود.